

مقدمه

جهان در آستانه بعثت پیامبر جامعه ای عقیم و عاری از هرگونه تکاپو، در انحطاط و بحران شگفت انگیزی قرار داشت. جهالت، غارتگری، ستم، تضییع حقوق محرومان و مظلومان، فساد و بی بند و باری، دوری از اخلاق انسانی و بی عدالتی همه جوامع بشری را در آن روزگار فرا گرفته بود.

در این میان جزیره العرب و به ویژه شهر مکه از منظر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پایین ترین و بدترین وضع را تحمل می کرد. خضوع اعراب جاهلی در مقابل چوب های خشکی که به صورت بت درست شده بود، هر انسان فهمیده و عاقلی را به تعجب و تاسف وامی داشت. زنان نه تنها از حقوق انسانی خود محروم بودند بلکه همانند یک کالای بی جان خرید و فروش می شدند.

جزیره العرب غرق در انواع خرافات، افکار و اندیشه های جاهلانه بود و شاید در آن روزگار در هیچ جای عالم خرافه پرستی و بی بند و باری و رواج مفاسد اجتماعی مثل این منطقه نبود. مردم بدون آنکه خود متوجه باشند نیاز شدیدی به امر معنوی و اخلاق داشتند و در آتش بی عدالتی و جهالت می سوختند ولی پس از بعثت رسول خدا(ص) اصول و ارزش های جاری در جامعه که علیه مصالح دنیا و آخرت مردم بود به ارزشهای انسانی و الهی تبدیل شد.

اسلام بر مبنای عقل و خواسته ها و نیازهای بشری ظهور پیدا کرد، حکم صادر نمود و به همین دلیل نیز گسترش یافت. چون در همه امور زندگی ریشه های فطری، عقلی و الهی اسلام نهفته بود و به این نیازهای روحی روانی و مادی و معنوی او پاسخ گفت.

بشر چه در عصر بعثت و چه پس از آن تشنه حقایقی بود که از زبان وحی بیان می شد. بعثت و فرهنگ اسلامی به انسان مجال ساختن زندگی متعالی بر اساس نیازها و خواسته های واقعیش را داد. البته کسانی که منافع مادی خود را در خطر می دیدند با این حرکت انقلابی پیامبر که تحول روحی بزرگی را در بسیاری از افراد بوجود آورد مخالفت نمودند و حتی به فرهنگ سازی انفعالی در برابر فرهنگ ناب اسلام پرداختند.

یکی از مهمترین اهداف بعثت پیامبر(ص) تربیت انسان بود تربیت به معنای فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن استعداد های انسان در جهت مطلوب می باشد و او باید

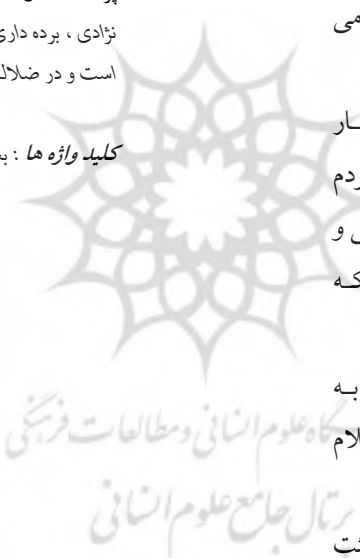
بعثت پیامبر اعظم و تأثیر آن بر فرهنگ مردم جزیره العرب

حمیدرضا صفا کیش کاشانی^۱

چکیده

بعثت پیامبران یک ضرورت و نیاز طبیعی و فطری انسان است زیرا هرگز کتاب آسمانی به تنهایی کارساز نیست. خداوند پیامبران را برای تبیین راه و هدایت مردم به سوی حق و صواب مبعوث کرده است تا حقیقت بر همگان روشن شود و اینچنین بود که در طول تاریخ پیامبران و یا اوصیای آنان برای راهنمایی و ارشاد مردم مبعوث شدند. بعثت یعنی سرآغاز مبارزه با هر گونه شرک و انحرافات فکری، عقیدتی، عملی و خرافات. مقاله حاضر در صدد است بر اساس دیدگاه های قرآن، نهج البلاغه و منابع تاریخ اسلام به بررسی بعثت پیامبر اعظم(ص) و رویکرد مؤثر آن در هدایت و تغییر وضعیت فرهنگی مردم جزیره العرب پرداخته نشان دهد که رسول اکرم(ص) چگونه توانست بر مردمی تأثیر بگذارد که در فرهنگ آنان بی عدالتی، تفاخرات قومی و نژادی، برده داری، زنده به گور کردن دختران، غارت، پیمان شکنی، قتل و خوردن مردار از موارد رایج در زندگی روزمره آنان بوده است و در ضلالت آشکار به سر می بردند

کلید واژه ها : بعثت، پیامبر اعظم، جاهلیت، فرهنگ، مردم، جزیره العرب



عصر جاهلیت (ضلال مبین):

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین». (الجمعه، ۲)

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان بر انگیخت که آیتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

واژه جاهلیت از ریشه جهل است ولی از کتب بر می آید که مراد از آن تنها نادانی نیست. حماقت، سفاهت و بی خردی را نیز در بر می گیرد. قرآن کریم نیز جاهل را پیوسته به معنای نادان نمی داند و از برخی روایات استفاده می شود که هر انسان متکبر و خود رأیی جاهل است. بدین ترتیب جاهلیت دورانی است که زندگی مردم از ارزش های معقول، موازین فرهنگی، منطقی و باور های معنوی و امیدوارکننده تهی باشد. (دائرة المعارف تشیع، ۱۴۸، و ۲۸۱)

در قرآن کریم چهار بار کلمه جاهلیت به کار رفته و در موارد دیگری نمونه ها و نشانه های دیگری از جاهلیت مورد نکوهش و انکار قرار گرفته است. (المائده، ۵)، (آل عمران، ۱۵۴)، (الاحزاب، ۲۲ و ۲۳) و (الفتح، ۴۸)

در این آیات پیروی از حکم و حکومت ناحق، رفتار مبتنی بر هوی و هوس، روی گردانی از دستورات الهی، بی توجهی به وعده و وعید های خداوند، بداندیشی در افعال الهی، بی پروایی زنان در جامعه و خواسته های نابجا و تعصب درباره آگاهی های ناچیز و جانبداری بی دلیل از عقاید و اندیشه ها نهی و مصداق بارز جاهلیت عنوان شده است. (نصیری، ۶۱)

از نظر امام علی (ع) لجاجت در برابر حق و تعصب بی جا و شیطانی، خودپسندی و غرور، ترک اندیشه و دین فہمی، به کار نبردن گوهر فرد در خداشناسی میراث دار فرهنگ منحط گذشته بودند و پیروی از پیشوایان ستمگر که بر اساس تعصب جاهلی حکم می رانند از نمود های جاهلیت است. (جعفری، ۱۹۲/۸)

جامعه عربی در آستانه بعثت جامعه ای عقیم و عاری از هرگونه تکاپو و جوشش در عزیمت به سوی رشد و تکامل بود. اندیشه عرب و فرهنگ آن روزگار شبه جزیره نیز از قابلیت های زایش و خلق باور های نوین و متعارف تهی بود. با تأمل در مبانی تعالیم پیامبر و محتوای بعثت به شکلی

زمینه را طوری برای فرد فراهم کند تا انسان بهترین رابطه را با خدای خود، قوانین و مقررات اجتماعی، خانواده و نفس خود برقرار کند.

موقعیت جغرافیایی جزیره العرب:

عربستان شبه جزیره بزرگی است که در جنوب غربی آسیا واقع شده و مساحت آن سه میلیون کیلومتر مربع است. این شبه جزیره به طور مستطیل غیر متوازی الاضلاع است که از زمان های قدیم بخش شمالی آن «حجاز»، بخش مرکزی و شرقی آن «صحرای عرب» و بخش جنوبی آن «یمن» نامیده می شود. در داخل جزیره العرب صحراهای بزرگ و شنزار های گرم و تقریباً غیر قابل سکونت فراوان است.

هوای شبه جزیره در صحراها و سرزمین های مرکزی بسیار گرم و خشک و در سواحل مرطوب و معتدل می باشد. (سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ۷)

موقعیت و شرایط جغرافیایی جزیره العرب پیش از بعثت پیامبر موجب شکل گیری جامعه ای با ویژگی های خاص در این سرزمین گردیده بود. به دلیل کمبود آب، فقدان کشاورزی و یکجانشینی بیشتر مردم بصورت قبیله ای زندگی سختی را تجربه می کردند. (سبحانی، فروغ ابدیت، ۳۸).

موقعیت سخت زندگی در این شرایط باعث شده بود که اعراب ساکن در آنجا در انزوا و به دور از فرهنگ بخاطر وجود بیابان های خشک و سوزان مهاجمان و کشور گشایان این منطقه را دور می زدند و به آن وارد نمی شدند. این وضعیت از طمع و تهاجم قدرتهای اطراف به جزیره العرب می کاست اما از سویی محدودیت، عقب افتادگی و انزوای ساکنانش را به دنبال داشت. (شهیدی، ۱۲).

از این رو می توان گفت این جامعه منزوی در مرحله پیش از شکل گیری تمدن به سر می برد زیرا تمدن از مرحله کشاورزی و یکجانشینی آغاز می شود. مدنیت از کلبه برزگر آغاز می شود ولی در شهر به گل می نشیند و بار می دهد. (ویل دورانت، ج ۱، ۱۳۷۶، ص ۵).

فلسفه بعثت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

بعثت که به معنی رستاخیز معنوی و انقلاب در همه امور است با انقلاب فرهنگی آغاز گردید. چرا که پایه و اساس تحول فرهنگی به خواندن، نوشتن و پاکسازی اسکلت فکری و اندیشه جامعه بستگی دارد بنابراین می بایست با یک قیام و رستاخیز در منطقه جزیره العرب پایه های سست و پوشالی خرافه پرستی و بت پرستی را فرو ریخت و از نو یک فرهنگ و آیین الهی و توحیدی بنا کرد و آن میسر نبود مگر با دستان توانمند و کلام نافذ پیامبر رحمت و مهربانی. (حکیمی، ۲۳)

بعثت رسول خدا ضمن اینکه مؤثرترین حادثه در تاریخ بشریت بود، ماهیتی دینی داشت و از هرگونه شائبه ای که ماهیت عربی و قبیله ای را به دنبال آورد به دور بود.

اولین آیات نازل شده بعد از بعثت رسول خدا درباره علم و تعلیم و تربیت است که آدمی را به تفکر و تعقل فرا می خواند تا در سایه این دو بتواند تفکر دینی و الهی را جایگزین تفکر جاهلی کند.

جامعه عربی که اسلام در آن ظهور کرد جامعه ناهمگونی بود. از بزرگترین اقدامات رسول خدا (ص) این بود که جامعه را همگون و متحد و از آنان امتی واحد سازد. (جعفریان، ۶۴)

محمد (ص) انسان شریفی است که با تحمل سختی ها و تهمت های فراوان سه سال مخفیانه و ده سال به طور علنی همه تلاش و همت خود را بکار بست تا بشر به دام افتاده شیطان را از زشتی ها و بت پرستی ها برهاند و به آسمان نور و توحید رهنمون شود.

از فاصله زمانی بعثت عیسی بن مریم (ع) تا بعثت پیامبر اسلام (ص) پانصد سال و به قولی هفتصد سال گذشته بود در این فاصله مردم در جهل و ستم و فساد غوطه ور شده بودند بنابراین بعثت پیامبر اکرم (ص) به مثابه انفجار نوری بود بر قلب های تاریک و تهی از معنویت و سرزمین هایی که با فرهنگ و تمدن و عدالت مدت ها بود که بیگانه شده بودند. (حکیمی، ۲۳)

قرآن مجید برخی از هدف های بعثت پیامبر (ص) را در آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره انعام به روشنی بیان می فرماید:

«قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا»

—من برای این مبعوث شدم که شرک و بت پرستی را از میان بردارم

«و بالوالدین احسانا»

به دلیل ارتباط با حبشه و روم دین مسیحیت پیروان بسیاری یافت به طوری که نجران مرکز مسیحیت گشته بود. یهودیان نیز در جنوب جزیره فراوان بودند. (سیره ابن هشام، ۲۸).

در شمال جزیره العرب هم بندرت دولت مستقل و با دوام حاکم بود. (آیتی، ۱۱).

در آن زمان در جزیره العرب ادیان و باورهایشان بدلیل مجاورت با ادیان و ملل گوناگون مختلف بود. بر طبق گزارش یعقوبی آیین های عرب در زمان پیش از ظهور اسلام عبارت بود از: یهود، مسیحیت، ثنویت، بت پرستی و برخی ادیان دیگر.

گرایش مردم به بت پرستی بر طبق گزارش اکثر منابع بدلیل امری وارداتی بود. فردی به نام "عمر بن لحي" آنرا از شام وارد حجاز کرد. او از رومی ها بت پرستی را فرا گرفت و بتی را از آنها گرفته و به مکه آورد. (یعقوبی، ۱۱/۱).

جالب آنکه در ادامه ی مطالب، یعقوبی کارهایی را که توسط عبدالمطلب بزرگ قریش انجام شده را به شرح زیر نام برد: ترک عبادت بت ها، یگانه پنداشتن خداوند، وفای به عهد و نذر، تعیین صد شتر برای پرداخت دیه عدم ازدواج با محارم، نهی از کشتن دختر بچه، قطع کردن دست دزد، مباحله، حرمت شراب و زنا، مجازات و حد زنا، قرعه (در مواردی که مشکلی پیش می آمد قرعه می انداختند)، عدم طواف کعبه به صورت عریان، بزرگداشت ماه های حرام و... (بیهقی، ۱/۲)

درحقیقت عبدالمطلب با وضع این قوانین و اجرای آنها زمینه سازی گسترده ای برای بعثت پیامبر انجام داده است. پس در جزیره العرب از یک طرف آیین یهودی و از سوی دیگر اعتقادات حنیف که ادامه ادیان الهی و پیامبران بوده و عبدالمطلب و بعد ابوطالب آن را استمرار بخشیدند وجود داشته است. (همانجا، ۵۴)

ساختار سیاسی جزیره العرب را می توان نوعی ملوک الطوائفی دانست. هر قبیله فرهنگ، آداب و حاکمیت مستقلی برای خودش داشت، به دلیل تعدد و فراوانی قبایل و کمبود منابع، در فقدان حاکمیت متمرکز، جزیره العرب آن زمان مستعد درگیری های مستمر بین قبایلی بود. در قبیله سه رکن اساسی وجود داشت: حسب، نسب، عصب. براساس حسب و نسب تمام افراد باید از فضائل و مفاخر قبیله آگاه باشند و بر اساس عصب و عرق قبیله ای همه افراد در ساختار قبیله محور بودند. (نصیری، ۵۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشگاه علامه طباطبائی
مجله علمی پژوهشی
فصلنامه علمی پژوهشی
دوره ۱۳، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵

توصیف دوران جاهلیت از زبان علی علیه السلام در نهج البلاغه

سخنان حضرت علی (ع) در بیان او ضاع عرب زمان جاهلیت شاهد زنده ای است که آنان از نظر زندگی و انحطاط فکری و فساد اخلاقی در وضع اسفناکی بودند. امیرالمؤمنین در یکی از خطبه های خود اوضاع عرب پیش از اسلام را چنین بیان می کند: «خداوند محمد را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود مبعوث نمود و شما گروه عرب در بدترین آیین و بدترین شرایط به سر می بردید و در میان سنگلاخ ها و مارهای کر (که از هیچ صدایی نمی رمیدند) اقامت داشتید. آب های لجن را می آشامیدید و غذاهای خشن می خوردید و خون یکدیگر را می ریختید و از خویشاوندان دوری می کردید. بتهای در میان شما سر پا بود. از گناهان اجتناب نمی نمودید».

(سید رضی، خطبه ۲۶)

میوه درخت جاهلیت فتنه و آشوب بود، غذای مردم آن مردار گندیده، لباس زیرپوشان ترس و لباس رویین شان شمشیر بود. (سید رضی، خطبه ۸۸)

در جایی دیگر به توصیف فرهنگ مردم تا پیش از بعثت پیامبر پرداخته می فرماید: «به رسالتش فرستاد در حالیکه مردم گمراهانی حیرت زده و در فتنه فرو افتاده بودند. هوی و هوس آنان را بر خود غوطه ور و کبر و نخوت از طریق صوابشان منحرف ساخته. رسول خدا نصیحت و نیک خواهی را به حد اعلا رسانید و به راهشان آورد و به حکمت و اندرز نیکو آنها را به راه خدا فرا خواند». (سید رضی، خطبه ۹۴).

با توجه به آیات نورانی قرآن و کلام گهربار علی (ع) به روشنی معلوم می شود که وضعیت فرهنگی و اجتماعی اعراب پیش از بعثت پیامبر (ص) به چه شکل بوده است و مردم در چه بی فرهنگی و بدبختی روزگار می گذرانند. اینجاست که بیش از پیش به بزرگی و عظمت رسالت پیامبر اکرم (ص) که شاید یکی از مهمترین جنبه های آن اصلاح فرهنگ و آداب و رسوم اعراب جاهلی است پی می بریم.

در سرلوحه من برنامه احسان و نیکو کاری به پدر و مادر قرار گرفته است.

«ولا تقتلوا او لادکم من اطلاق نحن نرزقکم و ایاهم»

در آیین پاک من فرزند کشی به منظور ترس از فقر زشت ترین عمل شمرده می شود

«ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن»

برای این بر انگیزخته شدم که بشر را از کار های زشت دور کنم و از هر پلیدی پنهان و آشکارا

باز دارم

«ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلکم و صاکم لعلمکم تعقلون» .

در شریعت من آدم کشی و خونریزی به ناحق اکیداً ممنوع است و این ها سفارش های

خداست تا بیندیشید

«ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشدّه»

خیانت به مال یتیم حرام است

«و افوا الکیل و المیزان بالتقسط»

اساس آیین من عدالت است و کم فروشی حرام می باشد

«لا نکلف نفسا الا وسعها»

هیچکس را بیش از توانایی خود تکلیف نمی کنیم

«واذا قلتُم فاعدلوا و لو کان ذا قربی»

زبان و گفتار انسان باید در راه کمک به حق و حقیقت و جز راست نباشد اگر چه بر ضرر

گوینده و نزدیکانش باشد

«و بعهد الله اوفوا ذلکم و صاکم به لعلمکم تذکرون»

به پیمان هایی که با خدا بسته اید احترام بگذارید

این ها سفارشات خداست که باید از آن پیروی کنید. مضامین آیات ذکر شده از قرآن کریم

گواه بر این امر است که تمام این صفات پست دامن گیر مردم شبه جزیره بوده و برای همین جهت

رسول گرامی در نخستین برخورد باید بیماری های مزمن اخلاقی که زندگی عرب جاهلیت را

تهدید می کرد درمان فرماید. (سبحانی، ۱۳)

۱- ان الله بعث محمداً (ص) نذیراً للعالمین و امیناً علی التنزیل و اتم معشر العرب علی شر دین و فی شر دار. منیخون بین حجاره خشن و حیات صم. تشریون الکرر و یا کلون الحشب و تسفکون دمانکم و تقطعون ارحامکم و الاصلانم منکم منصوبه والامام بکم معصوبه

۲- وضع شعائر و نهادهای جدید

از جمله مسایل مهم و شایان توجه در روش تبلیغ پیامبر اعظم (ص)، وضع شعائر دینی و ابداع نهادها و نمادهایی بوده است که تا زمان آغاز عصر دعوت ایشان، رواج نداشت و این رسانه سازی، نقشی مؤثر و مهم در یادآوری معارف دینی و یا تبلیغ و یا فراخوان برای انجام یک آیین دینی به همراه داشته است که از جمله آنها می توان به مسجد، نماز، نماز جمعه، اذان، اقامه، منبر، کتابت و نویسندگی اشاره کرد (الویری، ۵۳)

مسجد در نظام دینی، پایگاهی برای عبادت فردی و مرکزی برای اخذ تصمیم ها، مشورت ها، حل و فصل امور، برنامه ریزی و سیاست گذاری حرکت ها است (زرگری نژاد، ۳۳۹)

مراد از جنبه تبلیغی بودن اذان و اقامه، این است که یکی از مهم ترین روش های تبلیغ، القاء از طریق تکرار است و در این دو شعار دینی که هر روز پنج بار تکرار می شود، بسیاری از معارف و تعالیم دینی به صورت کوتاه و موجز مورد تأکید قرار می گیرد. به ویژه که مستحب است مؤمنان به هنگام شنیدن فرازهای اذان و اقامه آن را تکرار کنند. (الویری، ۵۴)

۳- معرفی اسلام بر پایه منطق و استدلال

یکی دیگر از روش های پیامبر اعظم (ص) برای تبلیغ دین، پیش گرفتن روش بحث منطقی در برخورد با مخاطبان بود. به عنوان مثال وقتی قریش از "حصین" درخواست کردند که با پیامبر صحبت کند تا آن حضرت از بت های آنها به بدی یاد نکند، وی به نزد پیامبر آمد و خطاب به ایشان گفت: چه می گوئید؟ چرا بت های ما را به بدی یاد می کنی؟ پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: ای حصین چند خدا را می پرستی؟ وی گفت: هفت خدا را در زمین و یک خدا را در آسمان. حضرت پرسید: وقتی زبانی متوجه تو می شود کدام یک را می خوانی؟ حصین گفت: خدایی را که در آسمان است. حضرت فرمود: اگر اموال تو از بین برود، کدام یک را می خوانی؟ گفت: خدایی را که در آسمان است.

حضرت فرمود: هموست که دعای تو را اجابت می کند و حال آنکه تو برای او شریک قائل می شوی. ای حصین اسلام بیاور تا در امان باشی و حصین نیز اسلام آورد. نمونه هایی دیگر از این

پیامبر عظیم الشان اسلام هدف از بعثت خود را کامل کردن مکارم اخلاق بیان فرموده است: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۳۷۲/۷۰).

از طرف دیگر خداوند ابزار ترقی و تکامل هر موجودی را در نهاد آن قرار داده و آن را به منظور پیمودن راه های تکامل با وسایل گوناگونی مجهز نموده است. مساله مهم در زندگی فرد و جامعه مساله معیارهای سنجشی و نظام ارزشی حاکم بر فرهنگ آن جامعه است زیرا تمام حرکتهای در زندگی فردی و جمعی از همین نظام ارزشی سرچشمه می گیرد و برای آفریدن این ارزشهاست. (سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ۳۱۴).

ابزار و روش های فرهنگی پیامبر برای جهل زدایی

اسلام در بدو تولد خود، ابتدا برخی از وسایل ارتباطی زمان جاهلیت، مانند: شعر و خطابه را با تغییر پیام در خدمت ترویج و تبلیغ اسلام درآورد و در ادامه برخی گونه های جدید، مانند: قرآن، سنت، اذان، روابط دوستانه و شخصی، سرایا، مسجد، حج و... را ابداع و به کار گرفت. (خندان، ۲۲۱)

ضمن بررسی منابع مختلف تاریخی با عنایت به اتصال حضرت رسول اکرم (ص) به منبع وحی و فیوضات الهی، با روش ها و شیوه های فرهنگی مختلفی که پیامبر اعظم از آنها برای نشر فرهنگ اسلامی و از بین بردن چهره ضلالت جامعه استفاده نمودند، آشنا می شویم. مهمترین این ابزار و شیوه ها عبارتند از:

۱- قرآن، معجزه پیامبر (ص)

قرآن، پیام اصلی اسلام است که حتی رمزگذاری آن نیز به وسیله ی خداوند متعال انجام شده است و به عبارتی دیگر محتوای پیام اسلام، همان محتوای قرآن است که خداوند متعال، محتوای آن را با نماد الفاظ از طریق جبرئیل بر پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی خاتم المرسلین (ص) نازل فرموده است. اما مسئله ی مهم در اینجا این است که انتقال پیام خداوند، با دریافت پیامبر (ص) به پایان نمی رسد و همین که پیامبر این پیام را دریافت نمود، باید خود به فرستنده و ابلاغ کننده ای تبدیل شود و این پیام را به دیگران منتقل سازد و پیامبر اکرم (ص) نیز نسبت به قرآن، هیچ دخل و تصرفی نه در الفاظ و نه در محتوا انجام نمی دهد و قرآن را آن گونه که بر او نازل شده است به دیگران منتقل می سازد (خندان، ۱۸۵)

۶- مبارزه با خرافات

بی گمان اگر پیامبر اعظم (ص) در سیر حوادث زندگی، امت خود را به سوی پرهیز جدی از غلو درباره خویش نمی خواند، اگر نه در زمان حیات، لاقلاً در زمان مرگش، امت وی، او را بر مسندی غیر از مسند پیامبری از جنس بشر می نشانندند و از همین موضع غلو بود که آیین محمد، موجب گمراهی می گشت و نه فلاح و رستگاری و از سوی دیگر همین رفتار، به نوعی یک جهت گیری تبلیغی در شیوه های فرهنگی ارتباطی پیامبر بشمار می رود. چنان چه پس از آنکه یگانه پسر حضرت محمد (ص) که بیش از یک سال و ده ماه نداشت، در گذشت و خورشید در آن روز گرفت. و عموم مردم علی رغم گرویدن به اسلام براساس تفکرهای خرافی و جاهلی، گرفتن خورشید را نشانه ای از همدردی کیهان با درد و غم پیامبر اعظم (ص) تفسیر کردند. ایشان بی تأمل و تردید به میان آنان رفت و با لحنی قاطع به آنان گفت که: «ماه و خورشید دو نشانه از نشانه های خدایند، برای مرگ یا زندگی کسی نمی گیرند. پس هر گاه چنین دیدید به مسجدهای خود پناه برید.» (زرگری نژاد، ۵۵۲)

۷- مبارزه با شایعات و جنگ های روانی

یکی از روش های پیامبر برای از بین بردن جهالت، مبارزه با شایعات گوناگون بوده است. شایعات مختلف هر چه باشند، چه عمری کوتاه داشته باشند یا دراز، خصمانه باشند یا ویران کننده، از مهم ترین سلاح های مهلک جنگ های روانی در جوامع بشری بشمار می روند (نصر، ۲۹۷)

«قرآن کریم به بسیاری از شایعات اشاره کرده است که با هدف نابود ساختن بنیان دعوت مقدس پیامبر و ایجاد شک و تردید در آن، توسط افراد ضعیف النفس و مغرض از یهودیان و کفار و منافقان در مورد حضرت رسول اعظم (ص) و اصحاب ایشان و سایر انبیا و پیامبران (ص) رواج داده می شد. (همان، ۲۹۸)

نتایج مقاله

با تأمل در مبانی تعلیم پیامبر و محتوای بعثت به شکلی خیره کننده با افکار و آموزه هایی روبرو می شویم که نه در محتوای فرهنگ جاهلی ریشه داشتند و نه هماهنگ و مناسب با هنجار های عقلی و فرهنگی زمانه بودند. جز توحید و اعتقاد به رستاخیز که در اندیشه جاهلی عقایدی

گفت و گوها را به طور مثال با "عتبه بن ربیع" به نمایندگی از قریش و یا با ابوطالب که حامل پیام های قریش بود در منابع می توان یافت.^۱ (الویری، ۵۴)

۸- سیره و منش پیامبر اعظم (ص)

از عوامل بسیار مهم در رفع جهالت از مردم جزیره العرب پیامبر اعظم (ص)، شخصیت، سیره و منش وجود مقدس ایشان بوده است.

"اسوه حسنه ای" که بعدها، قرآن نیز بر آن تأکید کرد. (الویری، ۵۶)

به طوری که بدون تردید نرم خوئی پیامبر اعظم (ص) در برابر ایداء و آزار قریش، تأثیر فرهنگی و تبلیغی فراوان داشت و به گسترش دعوت در مکه مدد رساند. (الویری، ۵۸)

همچنین پیامبر اسلام همیشه عطوفت و بخشش را بر انتقام و کشتار مقدم می داشته است. (شهیدی، ۸۹)

۵- تحول در شیوه های مرسوم ارتباط

از دیگر نکات مهم درباره ابزارها و روش های ارتباطی پیامبر اعظم (ص) این است که آن حضرت با ایجاد تحول در برخی ابزارها و روش های موجود، آنها را در خدمت اهداف دینی قرار داد که نمونه این ابزارها، مراسم حج، خطابه، شعر و قصه است (الویری، ۵۴)

عرب از فوننی که مربوط به زبان است، یعنی شعر، خطابه و نویسندگی، شعر و خطابه را داشته است که البته از لحاظ معنا محدود بوده است ولی عرب جاهلیت، اثر کتابت و نویسندگی نداشته است و یا اثری باقی نمانده است. اما وقتی که اسلام ظهور کرد، در هر سه قسمت تأثیر گذاشت؛ به طوری که، به معنای شعر وسعت داد، در خطابه تحول عظیم ایجاد کرد و کتابت و نویسندگی ابداع کرد (مطهری، ۲۳۵)

۱- دعوت پیامبر: از نخستین روزی که پیامبر بعثت خویش را با خدیجه (ص) و علی بن ابیطالب و زید بن حارثه عرضه کرد، دعوتش علنی شد آشکارا روزها در مسجد الحرام حاضر می شد و از رسالت خویش سخن می گفت. بزرگان قریش که از ماهیت اجتماعی این بعثت بی اطلاع بودند گاه با عبور از کنار پیامبر سخنان او را به تمسخر گرفته به هم می گفتند که پسر عبدالله از آسمان سخن می گوید (تاریخ یعقوبی، ج ۱، ۳۷۹)

شگفت آور به شمار می رفتند و تسلیم به آنها با محتوای عقلی عرب ناسازگار بود، تعالیم پیامبر و قرآن در قلمرو رفتار های فردی و اجتماعی نیز با هنجار های ریشه دار در فرهنگ زمانه، سازگاری و پیوند نداشت.

با گسترش بعثت و تأکیدات الهی مبنی بر این که پیامبر در سراسر عمر خویش ناخوانا و امی بود و سخنان خویش را جز از فرشته وحی نگرفته و عقل و نفس او منشاء تعلیم وی نیست سراسر زندگی چهل ساله پیامبر نیز از آرامش و قرار و ثبات اندیشه حکایت داشت و او به امین مکه اشتهار داشت. بعثت و روند دعوت مردم به دین خدا و هدایت پیشرفت و تعالیم آسمانی پیامبر روز به روز در اعماق اندیشه های مردم ریشه می زد و پیامبر راه خود را برای تسخیر عقول مستعد در سراسر حجاز می گستراند.

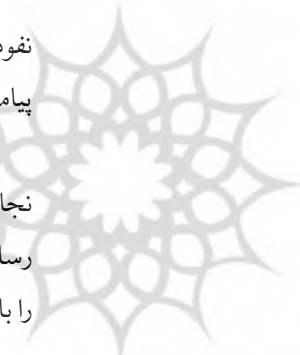
جاذبه معنوی آیین رسول خدا (ص) سخنان دلربای او و یارانش و فصیح و بلیغ بودن قرآن، نفوذ و انتشار بعثت را در هر کوی و برزن به ویژه در قلب پاک جوانان و محرومان نوید می داد. پیامبر با بعثت خود اراده کرده بود تا به کمک خداوند رذایل جاهلیت را به فضائل الهی تبدیل سازد در واقع لازمه ی بعثت پیامبر این بود که پیامبر از سوی خداوند برای هدایت بشر و برای نجات بشر از گرفتاریها مبعوث شود؛ همچنان که خداوند در قرآن می فرماید: "یکی از دلایل رسالت پیامبر این بود که غل و زنجیرهایی که خود بشر با دست خودش به دست و گردنش انداخته را باز کند". (الاعراف، ۱۵۷)

با توجه به فرهنگ بسیار پایین و حقیرانه مردم عصر بعثت، امیرالمؤمنان (ع) در نهج البلاغه اشاره به دوران جاهلیت قبل از بعثت پیامبر (ص) دارد که نشان دهنده ی وضعیت مردم و فرهنگ و عادات و اخلاقشان است.

مردم آن زمان از لحاظ اعتقادی یا کافر بودند یا مشرک، از لحاظ معیشتی چیزهای فاسد و گندیده می خوردند، از نظر اخلاقی سقوط کرده بودند، از لحاظ اجتماعی بسیار پایین بودند. حکومت های فاسد و افراد زورگو بر مردم مسلط شده بودند. مردم صاحب جان و مال و ناموس خودشان نبودند، تا آنجا که ممکن بود کسی شب هنگام ثروتمند باشد و صبح فردا نه تنها اموال و ناموس خود را از دست داده باشد بلکه جانش را از دست بدهد و در این شرایط بعثت پیامبر اتفاق افتاد.

علت این که پیامبر از میان اعراب و در عربستان برانگیخته شد معلوم می شود فاسدترین مکان در زمین آن نقطه بوده است و حتی خطر این منطقه جاهای دیگر را تهدید می کرده

است. پیامبر در آن نقطه برای نجات بشر مبعوث شد و در ۱۳ سالی که در مکه بود چون از سوی مردم مورد پذیرش قرار نگرفت خیلی موفق نبودند اما در ۱۰ سالی که در مدینه بودند شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، خانوادگی و اعتقادی مردم را از آن مرحله به جایی رساندند که هر کسی در کشورهای دور دست اوصاف حکومت اسلامی را می شنید مانند سلمان فارسی مشتاق دیدار پیامبر و آشنایی با اسلام می شد. به همین سبب پیامبر ظرف مدت کوتاهی توانست بشریت را عاشق احکام اسلام کند و با احکامی که از سرچشمه زلال و از ناحیه خداوند آمده بود با سعه صدر خود مردم را هدایت کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹ش.

۳- ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹ش.

۴- ابن قتیبه، معارف، ناشر داراحیا بالکتب العربیه، مصر، ۱۴۰۷ق.

۵- ابن هشام، سیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۸۵م.

۶- امین، احمد، پرتو اسلام، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۵۸ش.

۷- الویری، محسن، شیوه های ارتباطی - فرهنگی پیامبر (ص) در عهد مکی، فصل نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۱، ص ۴۱ تا ۷۰، ۱۳۸۳ش.

۸- بیهقی، محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به اهتمام خلیل خطیب رهبر، چاپ مهتاب، تهران، ۱۳۷۳ش.

۹- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر نقره، تهران، ۱۳۶۷ش.

۱۰- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۸، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۴۶ش.

۱۱- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۷ش.

۱۲- حکیمی، محمد رضا، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش.

۱۳- خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.

۱۴- دوانی، علی، تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، نشر دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۳۸۹ش.

۱۵- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه حمید عنایت، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶ش.

۱۶- زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴ش.

۱۷- همو، تاریخ تحلیلی اسلام از بعثت تا غیبت، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶ش.

۱۸- سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات حج و زیارت، تهران، ۱۳۷۵ش.

۱۹- همو، فروغ ابدیت، جلد ۱، نشر دانش اسلامی، قم، ۱۳۶۴ش.

۲۰- شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ۱۳۶۲ش.

۲۱- فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۴ش.

۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ناشر احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳م.

۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱ش.

۲۴- مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۵ش.

۲۵- نصر، صلاح، جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۰ش.

۲۶- نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، نشر معارف، قم، ۱۳۸۸ش.

۲۷- دانه المعارف تشیع، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام، مقاله ص ۱۴۸

۲۸- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی